

# مرتب‌بندی تعاریف و شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی

## بر پایه شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی<sup>۱</sup>

علی دل‌زنده\*، حیدر جهان‌بخش\*\*، حسین مرادی‌نسب\*\*\*،

محمد رضا بمانیان\*\*\*\*، حسن ذوالفقارزاده\*\*\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی - ۱۰۰-۸۳

### چکیده

امروزه تعاریف مختلفی از معماری اسلامی بر پایه نظام‌های فکری جریان‌های معاصر با هدف دستیابی به حقیقت‌های نهفته در آفرینش اثر معماری اسلامی ارائه شده است. غالب تعاریف موجود به علت جزءنگری از جامعیت لازم برخوردار نبوده و شناخت درستی از معماری اسلامی ارائه نمی‌دهد. در مسیر شناخت معماری اسلامی لازم است با نگاه معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه به آن پرداخته شود. بنابر فرضیه تحقیق نظام معرفتی اسلام به علت جامعیت می‌تواند در سطح‌بندی و ارائه تعریف جامع و مانع از معماری اسلامی راهگشا باشد. این مقاله از یکسورویکردی توصیفی-تحلیلی دارد و در آن از روش تحقیق تحلیل محتوایی بهره گرفته شده است. رهیافت کلی مقاله کیفی است و در مراحل مختلف انجام تحقیق از روش استدلال منطقی-تحلیلی از گزاره‌های مفهومی و نظری بر پایه منابع عقل و اجماع خبرگان به توصیف، تفسیر و تحلیل نظرات صاحب‌نظران نسبت به تعریف و مفهوم معماری اسلامی در قالب شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی پرداخته شده است. راهبرد مقاله تفسیری-تطبیقی است. نتایج حاصل از تحقیق به طور کلی نشان می‌دهد تعاریف موجود از معماری اسلامی از جامعیت لازم برخوردار نبوده و تنها بخشی از سیستم معرفتی را شامل می‌گردند و از آنها می‌توان با عنوان تجارب بشری در ارائه تعاریف معماری اسلامی بهره‌برد. دسته‌بندی نتایج به ما نشان می‌دهد سلسله‌مراتبی هستی‌شناسانه و پهنه‌ای معرفت‌شناسانه در ظهور معماری و معماری اسلامی وجود دارد که از جهان‌بینی علمی شروع می‌شود و تا جهان‌بینی توحیدی ادامه پیدا می‌کند هر یک از این سلسله‌مراتب سه‌گانه در هویت بخشی، پویایی و شکل‌گیری اثر معماری لازم است. براساس این دسته‌بندی نظام‌های فکری که در سطح جهان‌بینی الهی قرار می‌گیرند به واسطه قرارگیری در مراتب عقلی بالاتر از ظرفیت و وسعت نظر و شمولیت بیش‌تری نسبت به نظام‌های فکری معناگرا، وجودنگر، نسبی‌گرایی و واقع‌گرایی برخوردار هستند.

**واژه‌های کلیدی:** تعاریف، شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی، شیوه‌های نگرش، معماری اسلامی، مرتب‌بندی و پهنه‌بندی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری علی دل‌زنده با عنوان «ارائه الگویی برای آفرینش اثر معماری در حوزه طراحی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی» است که توسط استاد راهنمای اول حیدر جهان‌بخش به عنوان نویسنده مسئول و استاداراهنما دوم حسین مرادی‌نسب و مشاوره محمد رضا بمانیان و حسن ذوالفقارزاده انجام پذیرفته است.

\* پژوهشگر دکتری معماری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

\*\* نویسنده مسئول: دانشیار گروه معماری، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

h\_jahanbakhsh@pnu.ac.ir

\*\*\* دانشیار گروه معماری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

moradinasab\_h@yahoo.com

\*\*\*\* استاد گروه معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

bemanian@modares.ac.ir

\*\*\*\*\* دانشیار گروه معماری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

zolfagharzadeh@arc.ikiu.ac.ir



## مقدمه، ضرورت‌ها و تبیین مسئله

برای دستیابی به شناخت معماری اسلامی باید به مفهومی جامع از معماری اسلامی دست یافت که بتواند زمینه بررسی و بحث پیرامون شناخت معماری اسلامی را فراهم سازد. با کندکاو در نوشتارهای پیرامون شرح هنر و معماری منتسب به اسلام دست کم می‌توان از ده‌های نیمه اول سده بیستم به بعد، تعاریف معماری اسلامی را در نظرگاه اندیشمندان و نظریه‌پردازان بزرگ جهان، جستجو نماییم که بیش از هر چیز به گستردگی جنبه‌های مادی و ظاهری (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۵۷) و یا به تعاریف یکجانبه و حصری تأکید دارند (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۳۵۰). در صورتی که تعریف باید جامع و کامل باشد و در حصر زمان و مکان نگنجد (تقوائی، ۱۳۸۹: ۷۶).

تعریف به معنای شناساندن و حقیقت چیزی را بیان کردن و آگاهانیدن است (دهخدا، معین، عمید، ذیل واژه: تعریف) و در اصطلاح به معنای مجموع تصورات معلومی است که موجب معلوم شدن تصور مجهولی می‌شود (خوانساری، ۱۳۷۶: ۲۵۱). اهمیت تعریف در روشن شدن مفاهیم کلیدی و مبهم است (دانشنامه عمومی، ذیل واژه: تعریف) و بر همین اساس ابن سینا تعریف را قصد انجام عملی می‌داند که هرگاه دیشعور آن را دریابد، تصوری برای او پدید می‌آید که همان معرف است (ابن‌سینا، ۱۳۲۸: ۲۹). البته همیشه تعریف برای شناساندن معرف یعنی برای کشف مجهول به کار نمی‌رود، بلکه در بسیاری از موارد مقصود از تعریف، تحلیل و تجربه‌ی یک مفهوم یعنی پی‌بردن به مندرجات و محتویات آن و بازشناختن ذاتیات آن از عرضیات محسوب می‌شود (خوانساری، ۱۳۷۸: ۸۳).

بنابراین لازم است که تعریف بیانگر ماهیت و کمال وجودی ذات آن باشد و همه ویژگی‌های ذاتی آن شیء را دربرگیرد. لذا هرچه تعریف بیشتر حقایق و ذاتیات معرف - در اینجا معماری - را بیان نماید، به همان نسبت آن تعریف جامع‌تر و کامل‌تر خواهد بود (تقوائی، ۱۳۸۹: ۷۶). از طرفی به معنای دقیق‌تر تعریف مشتمل بر جهان‌بینی

است و علاوه بر اینکه حقیقت امری را بیان می‌کند، دیدگاه تعریف‌کننده را نیز در بردارد. بنابراین هر تعریفی در یک دستگاه نظام فکری معنی می‌دهد (اکرمی، ۱۳۸۲: ۳۵).

شناخت حقایق و بن‌مایه تعاریف گوناگون معماری که زاده دستگاه فکری مختلف هستند با گذر از یکدیگر شکل و مفهوم درست و مقبولی پیدا می‌کنند و می‌توانند تعریف جامع و مانعی از معماری ارائه دهند به شرط اینکه بتوانیم آنها را با دستگاه نظام فکری کامل و جامع شناسایی و دسته‌بندی نماییم. به عبارت دیگر از آنجایی که در شناخت حقیقت‌های نهفته در آفرینش اثر معماری تنها با دستیابی به شناختی تحلیلی و گسترده از معماری می‌توان توفیق یافت باید به مفهومی جامع از معماری رسید که لازمه آن شناخت معماری در گستره برداشت‌ها و یافته‌ها از معماری براساس نظم و بینشی جامع و هدفمند است که بتواند زمینه دستیابی به آن تعریف جامع را فراهم سازد. این روش علاوه بر فراهم نمودن زمینه تدوین تعاریف جامع و مانع از معماری به واسطه تجارب دیگران باعث می‌شود از برداشت‌های ساده‌انگارانه، کلی و برخواسته از شکل و شرایط خاص زمانه جلوگیری شود و حقایق معماری به واسطه شناخت موجودیت مفاهیم در کلیت معماری شناخته شود (تقوائی، ۱۳۸۹: ۷۷).

مسئله اصلی این پژوهش بررسی شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی و سطح‌بندی و مرتبه‌بندی آنها برپایه دستگاه فکری جامعی است که بتوان به وسیله آن مقدمات رسیدن به تعریف جامع و مانع از معماری دست‌یافت. این اقدام لازمه شناخت حقیقت‌های نهفته در آفرینش اثر معماری و در نهایت روش‌های خلق اثر معماری است. از آنجایی که در پی دریافت تعریف معماری اسلامی هستیم از این جهت لازم است در چارچوب مولفه‌های شناختی اسلام به شناخت آثار پردازیم. از طرفی شناخت‌شناسی اسلامی به واسطه اصالت قراردادن عین یا همان اثر معماری در شناخت، معماری را جزئی از هستی می‌داند و از این منظر دامنه جستجوی

همچنین ارائه مدل پهنه‌بندی جایگاه معارف بشری در عالم هستی و تاویل آن در معماری کار شده است و آقای رئیس سمیعی (۱۳۸۳) در رساله خود با عنوان نظریه مراتب وجود تاویل آن در معماری به آن پرداخته‌اند. اما تاکنون تعاریف و شیوه‌های نگرش در معماری اسلامی، بر پایه نظام و دستگاه جامع فکری اسلامی تبیین، دسته‌بندی، سطح‌بندی و مرتبه‌بندی نشده است.

### روش تحقیق و مسیر پژوهش

در این تحقیق بر اساس مفروضات اصلی و منابع عقلی و اجماع خبرگان لازم است ابتدا با جمع‌آوری اطلاعات و آراء اندیشمندان و نظریه‌پردازان معماری اسلامی از طریق متون و اسناد کتابخانه‌ای و سپس با تجزیه و تحلیل کیفی به تحلیل محتوای آنها پیرامون موضوع مقاله پرداخته شود. در این رابطه پس از بیان مقدمه و ضرورت تحقیق به شناسایی معانی و مفاهیم معماری و ملاحظاتی بر تعاریف آن و بررسی مفهوم معماری از دیدگاه نظریه‌پردازان پرداخته می‌شود سپس با بیان موضوع شناخت‌شناسی اسلامی و تبیین آن در حوزه معماری به ارائه الگوی شناخت معماری اسلامی و تحلیل تعاریف نظریه‌پردازان معماری در قالب آن پرداخته می‌شود و در نهایت سطح‌بندی و مرتبه‌بندی از تعاریف معماری ارائه می‌گردد. در جدول (۱) شالوده، هدف، ضرورت، رویکرد، موضوع، سوال، فرضیه، مدل نگارشی پژوهش و در نمودار (۱) ساختار تحقیق ارائه گردیده است.

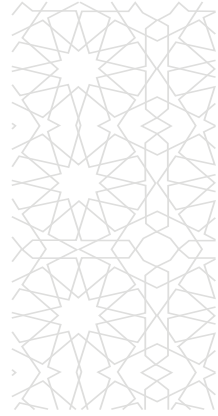
معانی و مفاهیم طیف وسیعی از بینش‌ها و معارف را در می‌گیرد. در شناخت‌شناسی اسلامی ابزار شناخت و شیوه‌های آن و حاصل معرفتی آنها یگانه نیست و بلکه همه ابزارها و شیوه‌ها در طول یکدیگر قرار دارند و می‌توانند معارف انسان را از سطح هستی به عمق برتر آن و از ابعاد مادی وجود انسان به ابعاد عقلی و روحی او برسانند (نقره‌کار، ۱۳۸۹: ۲۱). این در حالی است که نگاه حصری در عصر حاضر به واسطه جدایی عین و ذهن، تمامیت هنر و معماری را به ترکیب اجزاء سازنده‌اش تقلیل داده است و اصالت ذهن به عین شناخت حقیقت را وابسته به ادراکات و ذهنیات انسانی ساخته و آفرینش معماری بر پایه یکی از اجزایش تعریف می‌گردد و بر اساس ترکیب این اجزاء و در سیر جزء به کل معین شده است. به عبارتی اتحاد عین و ذهن راه رسیدن به حقیقت است و از آنجایی که تنها یک حقیقت ثابت و لایتغیر وجود دارد دو نوع شناخت نیز نمی‌تواند درست باشد.

### پیشینه تحقیق

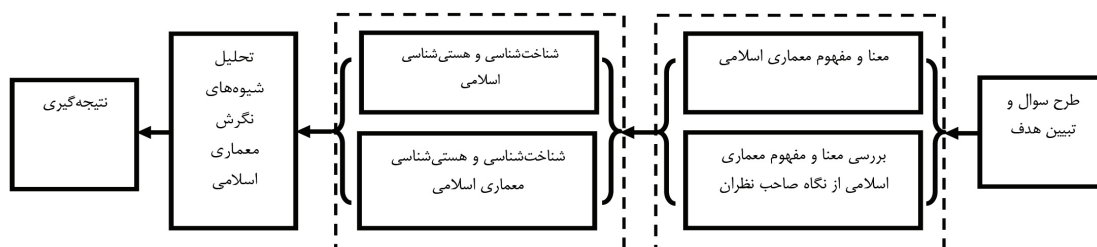
اگرچه در زمینه تعریف و مفهوم معماری اسلامی (از جمله: مهوش وارغیانی، ۱۳۹۹ و ایمانی، ۱۳۸۴ و فلاحی (۱۳۹۰) و قلی‌پور و محملی ایبانه (۱۳۹۳) و دسته‌بندی شیوه‌های نگرش و روش نظریه‌پردازی معماری اسلامی (از جمله: معاریان، ۱۳۹۵، امین‌پور و دیگران، ۱۳۹۶ و ذوالفقارزاده ۱۳۹۳ و نقره‌کار ۱۳۹۴)،

جدول (۱): ساختار محتوایی پژوهش (۱)

دیدگاه و رویکرد	ساختار پژوهش
مفروضات اصلی مبانی فلسفی بر پایه استنباط عقل فردی و اجماع خبرگان (عقل جمعی و تاریخی)	شالوده نظری
بنیادی (توسعه دانش و مبانی) در شناسایی نقش شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی در تعاریف و مفاهیم معماری اسلامی	هدف پژوهشی
فراهم‌سازی مقدمات دستیابی به تعریف جامع و مانع از معماری اسلامی به منظور شناخت حقیقت‌های نهفته در آفرینش اثر معماری اسلامی و در نهایت روش‌های خلق اثر است.	ضرورت پژوهشی



دیدگاه و رویکرد	ساختار پژوهش
در کل رویکرد تحقیق توصیفی- تحلیلی و کیفی است و روش پژوهشی استدلال منطقی بر پایه منابع عقل و اجماع خبرگان با راهبردی تفسیری- تطبیقی در حوزه معماری است.	رویکرد و روش پژوهش
دستیابی به مقدمات رسیدن به تعریف جامع و مانع از معماری اسلامی به وسیله بررسی تعاریف معماری و شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی و مرتبه‌بندی آنها بر پایه دستگاه فکری جامع شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی است.	موضوع پژوهش
آیا تعاریف موجود معماری اسلامی تعاریف جامع و مانعی هستند و یا بخشی از معارف بشری را شامل می‌گردند؟ چگونه می‌توان تعاریف موجود معماری اسلامی را بر پایه هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی جامع اسلامی سطح‌بندی و مرتبه‌بندی نمود؟ چه مولفه‌هایی از تعاریف موجود می‌توانند تعریف جامع و مانعی از معماری اسلامی را پدید آورند؟	پرسش پژوهش
تعاریف موجود معماری اسلامی حقایقی هستند که در یک دستگاه نظام فکری حصری (رخی با نگاه التقاطی و برخی با بینش سکولار) پدید آمده‌اند. این حقایق به واسطه جزءنگری نظام فکری از جامعیت لازم برخوردار نبوده و تنها بخشی از سیستم معرفتی را شامل می‌گردند و از آنها می‌توان با عنوان تجارب بشری در ارائه تعاریف معماری اسلامی بهره‌برد. نظام معرفتی اسلام به علت جامعیت می‌تواند در سطح‌بندی و ارائه تعاریف جامع و مانع از معماری اسلامی راهگشا باشد. اسلام اصول و برنامه و شیوه‌ای از زندگی را تدوین کرده که بتواند در صورت انتخاب راه حقیقت، در جهت تکامل و توسعه حرکت کند.	فرضیه پژوهشی
روش ماهی است: نگارشی منطقی- خطی یا ماهی است و مباحث و یافته‌ها با یکدیگر تفاوت دارد و فهم هر مبحث مستلزم درک بخش قبلی است و برای درک موضوع تدوین شده می‌بایست کل آن را مطالعه کرد.	مدل ساختاری و تدوین نگارش



نمودار ۱: ساختار تحقیق

## بررسی معنا و مفهوم معماری و الزامات آن از نگاه اسلامی

در لغت‌نامه دهخدا معماری به معنای علم بنایی و آبادانی و آبادسازی آمده است. (دهخدا، ذیل، «معماری»). ریشه‌ی کلمه‌ی معماری در زبان عربی به عَمَر به معنای آبادانی بازمی‌گردد. مَعْمَر (۲)، مَعْمُور (۳) و عمارت (۴) در زبان عربی از ریشه عَمَر است. در معنای این واژه‌ها آبادانی شایسته‌ترین واژه فارسی در معنای معماری است. این افعال به همراه سایر برآمده‌های آن مانند

## مبانی نظری) بررسی تعاریف و مفاهیم معماری اسلامی)

واژه معماری به دو گونه معماری به معنای عام و معماری به معنای خاص یعنی معماری آن‌گونه که معماران تعریف می‌نمایند قابل تعریف است (فلامکی، ۱۳۹۰: ۱۸۷) در این بخش به‌شناسایی معانی و مفاهیم معماری از نگاه اسلامی و ملاحظات بر تعاریف آن به معنای عام و بررسی مفهوم معماری از دیدگاه نظریه‌پردازان به معنای خاص پرداخته می‌شود.



عمران (۵) و تعمیر (۶) در نوشته‌های امروزی در مفهوم کارهای وابسته به ساخت و ساز به کار رفته است.

به طور خلاصه فهم معماری به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مسائل معماری، بسیار به پاسخ ما به سه سوال معماری چیست؟، معماری چرا به وجود می‌آید؟ و معماری چگونه باید باشد؟ (سامه، ۱۳۹۳: ۳۰) وابسته است و بهترین راه برای رسیدن به مفهوم درست واژه معماری روی آوردن به قرآن است. در شش آیه از قرآن آمده‌های گوناگون فعل عمر آمده است. در آیات ۱۷ تا ۱۹، سوره توبه ۷، کاربرد واژه‌های برآمده از ریشه عمر به صورت بعمروا، یعمر و عماره اشاره شده است. این واژگان هر کدام به گونه‌ای نشان‌گر نگرهبانی کردن و مراقبت هستند، نمونه‌ی دیگر واژه عمارت در آیه ۴ سوره طوره ۸ آمده است که خداوند فرموده است: «و به آن خانه‌ی آباد» که در این آیه نیز به وجه نگرهبانی و مراقبت اشاره گردیده است. (شقایق، ۱۳۹۰: ۹۱). در آیه ۶۱ سوره هود ۹ به وجه خلاقیت و آباد ساختن زمین توسط انسان اشاره شده است. در آیه ۹ سوره روم ۱۰ به هدفداری و اهداف گوناگون آدمی در آباد ساختن و آبادانی اشاره کرده و هدفش جز رسیدن به خدا را نابودی میدانند و به حضور انبیاء و دادن برنامه توسط آنان به انسان اشاره شده است. نگرهبانی، مراقبت و آباد کردن همان وجه خلیفه‌الله انسان است که هدفش جز رسیدن به احدیت نیست. معماری خلقت با عشق ولایت کمال مطلق آغاز شد و این عشق علت وجودی آفرینش هستی گردید و عالم هستی یعنی عالم کبیر و صغیر (جهان و انسان) که هر دو آینه اسماء و جمال حقیقت شدند (ذوالفقارزاده، ۱۳۹۱: ۳۴).

بنابراین در باز اندیشی ریشه لغوی واژه معماری در خواهیم یافت که معاری از یک سو با عمر و از سوی دیگر با واژه عمر به معنی به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه و آباد کردن نیز هم ریشه بوده و قرابت معنایی بسیاری دارد. لذا معماری عمران عمر است و هدفش به منصفه‌ی

ظهور رساندن تمام استعدادهای بالقوه زندگی و به فعلیت در آوردن شکل غایی زندگی انسان است (سامه، ۱۳۹۳: ۳۶) و غایتی جز رسیدن به خدا را نابودی می‌داند و این مهم نیز جز با زانو زدن در مکتب انبیاء و اولیای الهی حاصل نمی‌شود، زیرا به جهت اتصال به مبداء هستی و وحی الهی، تنها آنان قادرند که گنجینه‌های نهفته‌ی آدمی را بدو بنمایند و دفینه‌های عقل بشری را بشورانند و انسان را به همراه علم صائب و عمل صالح خود تا قله‌ی حیات متألّهانه، یعنی مقام خلافت الهی رهنمون سازند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۱۷).

بنابراین ما می‌توانیم معماری و شهرسازی و زندگی‌مان را بر اساس آیات و احادیث مورد مطالعه قرار دهیم، تحلیل و نقد کنیم و زیبایی و زشتی آن را بیان کنیم و به بازسازی، بهسازی و باز زنده‌سازی آن پردازیم (علی آبادی، ۱۳۹۱: ۳۴). آنچه ویژگی‌های کیفی و کمی صورت و کالبد معماری را برای ما تعریف می‌کند همان عقل یا علم حقیقت محور می‌باشد، عقل شعبه‌ای از الهام مستتر الهی در فطرت و نهاد و نهان انسان است که خدا آن را به ودیعت نهاده است عقل هاتف غیبی و پیام‌آور الهی از منابع قوی و غنی دین اسلام است که از رابطه‌ای متقابل با فطرت و شریعت برخوردار است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۸۱-۸۲). حال معماری که کالبد آن بر اساس مبانی فکری اسلام، اصول زندگی اسلامی و الگوی رفتاری آن شکل می‌گیرد. رفتاری انسانی و عقلایی در جای جای هر یک از فضاها‌ی آن جریان دارد. زیرا اساس قوانین و نظام اداره آن عقل است از طرف دیگر عقل حقیقت محور با براهین قطعی می‌داند که بسیاری از امور را نمی‌داند و باید راهنما و راه بلدی باشد تا او را راهنمایی کند و راهنمایی نیز باید از طرف کسی باشد که عالم و آدم را آفریده است و او را می‌شناسد، نیازهای او را می‌داند، به هدف والای او واقف است، زندگی اخروی او را برپاساخته و می‌شناسد و متناسب با آن برنامه می‌دهد (همان: ۹۴).

## بررسی تعاریف و مفاهیم و شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی از سوی نظریه‌پردازان

معماری به عنوان هنری برخوردار از مبانی نظری در زمینه فلسفه، روان‌شناسی، فرهنگ و تاریخ از دهه‌های اخیر مطرح شده است و در قبل از آن به معماری به عنوان یک شغل و یا یک رشته فنی نگریسته می‌شده است. تغییرات معماری و طبع آن تغییر در تعاریف معماری در طی زمان گواهی بر تفاوت اندیشه‌های خالقان اثر اشاره دارد، اندیشه‌هایی که به نوعی بر الگوهای فکری حاکم بر آن دوران تأثیرگذارده و یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند (صفدریان، ۱۳۹۶: ۹۶). در مطالعه تاریخ معماری اسلامی شیوه نگرش‌های مختلفی حاصل از بینش‌های متفاوتی وارد شناخت معماری اسلامی شده‌اند و هر اندیشمندی از زاویه دید خود وارد این عرصه گردیده است (ذوالفقارزاده، ۱۳۹۳: ۳۰). به طور کلی رویکردها و نگرش‌های موجود به معماری اسلامی را می‌توان به دو دسته: ۱- نگرش‌های تاریخی (حاصل از تحقیقت باستان‌شناسی و تاریخ هنر (ایمانی، ۱۳۸۴: ۷۵) و ۲- نگرش‌های فراتاریخی (معناگرایانه) تقسیم نمود (بردباری و دیگران، ۱۳۹۷: ۲). رویکرد اول که رویکرد عمده

در میان اندیشمندان معاصر است خود به دو نحله از منظر سازندگان بنا و دیگری از منظر جغرافیایی قابل بازخوانی است (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۶۰). نحله اول ساختار معماری اسلامی را به تحلیل ساختاری و کالبدی شامل: رویکردهای ساختارگرا، فرم‌گرا و فضا گرا و نحله دوم آن را به عوامل اجتماعی و مذهبی شامل: فرهنگ‌گرا، جامعه‌گرا، تاریخ‌گرا منتسب می‌نماید (ناری‌قمی، ۱۳۹۸: ۱۰۱).

در برابر این رویکرد، رویکرد دوم با بازخوانی میراث گذشتگان سعی دارد به جوهره اصلی معماری اسلامی برگرداند. در این رویکرد تعریف معماری اسلامی از مفاهیم جاودان الهی و تعالیم روح‌بخش اسلامی با توجه به رابطه‌ای که از مفاهیم معنوی برقرار می‌نماید، تعریف می‌شود (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۶۰). این رویکرد نیز در جای خود به زیرگروه‌های سنت‌گرایی، معناگرایی، نظری - فلسفی، نص‌گرایی و فقه فردی، فقه نظام (بردباری و دیگران، ۱۳۹۷: ۲). قابل تقسیم است. در جدول (۲) هرکدام از شیوه‌های نگرش با ویژگی‌ها و صاحبان نظریه تعریف شده است. در این بررسی و در یک جمع‌بندی می‌توان شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی را در سه دسته کلی ساختارگرایی، صورت‌گرایی و محتواگرایی دسته‌بندی نمود.

جدول (۲): دسته‌بندی تعاریف و مفاهیم و شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی از نگاه نظریه‌پردازان

نگرش اصلی	شیوه نگرش	دیدگاه‌های اصلی در رابطه با تعریف و مفهوم معماری اسلامی	نظریه‌پردازان
ساختارگرایی	ساختارگرا	بررسی فنون ساخت و مسائل فیزیکی ساختمان	پیرنیا، توسلی
	فرم‌گرا	بررسی الگوهای فرمی	هیلن براند، پوپ و گروپ و هر تسفلد
	فضاگرا	بررسی الگوهای چیدمان فضایی	کلاوس هرلدگ، .....
صورت‌گرایی	ظاهرگرا	توجه نمادین به معماری اسلامی و تطبیق الگوهای فرمی با الگوهای رفتاری، اجتماعی	معماران جوان علاقه‌مند به معماری بومی و اسلامی
	تاریخ‌گرا	تطبیق الگوهای فرمی معماری با حوادث تاریخی و سیاسی	سواژه، کرسول، گرابر، هولاد، بلوم و بلر
	جامعه‌گرا	تطبیق الگوهای فرمی معماری با رفتار جمعی	معماران
	فرهنگ‌گرا	تطبیق الگوهای فرمی معماری با الگوهای ذهنی جمعی	جرج میشل
	سنت‌گرا	توجه به رابطه انسان با هستی، خداوند و معنویت در کنار توجه به ذات طبیعت و بازگشت به تاریخ	کوماراسوامی، شوان، اتین هاوزن، گریا، کریشلو،

نگرش اصلی	شیوه نگرش	دیدگاه‌های اصلی در رابطه با تعریف و مفهوم معماری اسلامی	نظریه پردازان
محتواگرایی	معناگرا	باطن‌گرایی، رمزپردازی، تصوف و فتوت کلیدواژه اساسی این شیوه نگرشی است.	نصر، اردلان
	نظری-فلسفی	این شیوه جایگاه ویژه‌ای برای عقل و نظر در کنار عقل شهودی قائل بوده و تلاش می‌کند تا بنیان‌های معماری را بر یکی از مکاتب نظری-فلسفی بنا نماید. این نگاه تلاش دارد جریان اراده تشریحی را در فرایند نظریه‌پردازی جاری نماید.	ندیمی، حجت، نقی‌زاده، نقره‌کار
	نص‌گرایی و فقه فردی	مراجعه به منابع روایی و استخراج متون (آیات، روایات، فقه و تاریخ) و مفهوم‌گیری و مفهوم‌سازی براساس متون و ارائه نظریات هنجاری در حوزه معماری	هشام مرتضی، سلیم بسیم حکیم، سپاهیک عمر، قربانی
	فقه نظام	در این روش توجه به استنباط حکم شرعی از منابع اصلی شریعت یعنی کتاب و سنت به همراه استنباط حکم از احکام دیگر که برپایه شریعت هستند، است.	اراکي و شاگردان ایشان

## مبانی شناخت‌شناسی وهستی‌شناسی معماری از دیدگاه اسلامی

دنیا، دنیای مکتب و ایدئولوژی است. مکتب و ایدئولوژی برپایه جهان‌بینی است و جهان‌بینی برپایه شناخت حاصل می‌گردد (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۶) برای دستیابی به هستی‌شناسی هر چیزی در ابتدای امر باید ماهیت آن چیز از طریق معرفت‌شناسی مورد تحلیل قرارگیرد تا براساس آن هستی‌شناسی آن امور پرداخته شود (رئیس سمیعی، ۱۳۸۳: ۱۱۴) و به عبارت دیگر تا زمانی که شناخت‌شناسی صحیح نباشد هستی‌شناسی و درنهایت جهان‌بینی نیز صحیح نخواهد بود. از آنجا که تحقیق در صدد دستیابی به مقدمات تعریف معماری بر پایه مبانی اسلامی است، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی مورد توجه ما در شناخت معماری، شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی از نگاه اسلامی است.

## شناخت‌شناسی وهستی‌شناسی اسلامی

در شناخت‌شناسی اسلامی تفکرات ملاصدرا و حکمت متعالیه به عنوان معرفت‌شناسی حداکثری از آن‌جا که با رویکرد نظریه دین حداکثری

نزدیک‌تر است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۲: ۲۲۸) و از طرفی براساس هستی‌شناسی پایه‌گذاری شده است و از آنجایی که مهمترین مسئله شناخت دستیابی به معیارها و راه‌ها و روش‌هایی است که ما را برای رسیدن به هستی‌شناسی رهنمود می‌سازد مورد توجه این پژوهش است. ملاصدرا درباره نحوه وجود معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی حرف آخر رازده است ایشان برای علم و معرفت چنان اهمیت قائل است که علم و معرفت را اساس نیل به مراتب هستی و اتحاد آن می‌داند و از نظرات ایشان می‌توان به این نتیجه دست‌یافت که موضوعات مورد بحث معرفت‌شناسی، جایگاه هستی‌شناسانه خود را خواهند یافت.

شناخت را شاید به واسطه آن که مفهومی روشن است نتوان تعریف کرد (مصباح، ۱۳۶۱: ۱۳۷) اما می‌توان مسئله شناخت را برپایه پرسش‌های بنیادین ابزار شناخت، انواع و مراتب شناخت و محتوای... بررسی نمود (مطهری، ۱۳۹۲: ۳۷) در شناخت‌شناسی اسلامی فطرت بستر اصلی شناخت مطرح می‌گردد و کسب معرفت برپایه حس، عقل و قلب حاصل می‌گردد (مصباح، ۱۳۶۷: ۱۵۴).

● **حس:** حس از شروط لازم برای شناخت محسوب می‌شود اما کافی نیست. یافته‌های حسی به مثابه و نقطه آغاز استنتاجات غیر حسی و سایر ابزارهای معرفتی محسوب می‌شوند. با این ابزار است که انسان شناخت را از طبیعت می‌گیرد.

● **عقل:** عقل نیروی خدادی است که کارش درک است. تجزیه و تحلیل کار عقل است و منظور از تجزیه و تحلیل دسته‌بندی کردن اشیاء در مقوله‌های مختلف است (مطهری، ۱۳۹۲: ۶۵). از نگاه حکما عقل انسان به دو نوع عقل نظری که به درک و شناخت واقعیت‌ها و قضاوت درباره آنها می‌پردازد و عقل عملی که کنش و رفتار آدمی را کنترل می‌کند نیازمند است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۲: ۱۳۳) از لحاظ ارتباط با عالم ماده و عالم غیب برخی از عرفا عقل را به دو نوع عقل جزئی و عقل کلی تقسیم کرده‌اند که عقل جزئی با سود و زیان دنیایی و عالم طبیعت سروکار دارد و عقل کلی به دنبال آخرت و درک عالم غیب است (فولادی و یوسفی، ۱۳۸۳: ۸۲). همچنین به لحاظ حوزه فعالیت عقل، آن به اقسام زیر تقسیم شده است: به این صورت که عقل، به اعتبار توجهش به دنیا و آخرت، به عقل معاد و معاش تقسیم می‌شود؛ عقل معاش همان عقل جزئی است و عقل معاد، همان عقل کلی است. به اعتبار منشاء عقل را می‌توان به عقل طبیعی یا فطری و اکتسابی و معادی تقسیم کرد (پایگاه اطلاع‌رسانی حدیث شیعی، ذیل واژه: تقسیمات عقل).

● **قلب:** قوه یا ابزاری باطنی است که نفس می‌تواند با تهذیب آن به شهود و دریافت حقایق بدون واسطه دست یابد. راه قبل و شهود در مرحله بسیار عالی به مدد صفا و نورانیت درونی در مرحله اشراق و الهام به طهارت روحی و سلوک باطنی، نیازمند است (ر.ک: روزبهی، ۱۳۹۵).

به واسطه ابزارهای شناخت مجموعه‌ای از شناخت‌ها و آگاهی‌ها در حوزه علوم بدست می‌آید

که اندیشمندان اسلامی آن را به دو دسته کلی شامل علوم حضوری و حصولی تقسیم می‌نمایند. علم حضوری علم بی واسطه‌ای است که خود واقعیت نزد عالم حاضر است نه صورت آن که امری است ذهنی و داخلی و به عبارتی subjective. در مقابل علم حضوری علم حصولی قرار دارد که به واسطه صورت‌های عینی و به عبارتی و ابزارهای حسی و عقلی بدست می‌آید این تعریف از علم انطباق دارد با مفاهیم متداول از علم که در جهان مدرن به کار می‌رود، یعنی همان معنی خارجی یا عینی و به عبارتی objective. به اعتقاد علامه طباطبائی علم حصولی نیز منتهی به علم حضوری می‌گردد به این مفهوم که به طور کلی ما یک علم حصولی و یا یک علم حضوری نداریم بلکه از علم حصولی تا علم حضوری یک سیر پیوسته از علم ما به اشیاء خارجی (از جمله باطن خودمان) نسبتی میان حصول به حضور وجود دارد (طباطبائی، ۱۳۶۹: ۱۸۷).

شناخت حصولی به دو دسته تصورات (علم حصولی کلی) و تصدیقات (علم حصولی جزئی) تقسیم می‌شوند. علم حصولی کلی، عقلی است و در مرتبه عقل کلی قرار دارد و با سه دسته: مفاهیم ماهوی، منطقی و فلسفی شناخته می‌شوند. علم حصولی جزئی، علم حس و احساس است که به سه دسته: حسی، خیالی (خیال فاقد تعقل) و وهمی منقسم می‌گردد و به اعتقاد علامه طباطبائی علم حصولی جزئی حسی پایین‌ترین مرتبه احساس است. به این ترتیب علم حصولی از پایین‌ترین مرتبه هستی و شناخت انسان، که همان مرتبه حس صرف باشد و با طی مراتب خیال، یعنی خیال فاقد تعقل، تفرس و تقلید و سپس در مرتبه عقل جزئی الی مرتبه عقل کلی در انسان حادث می‌شوند. علم حصولی قادر نیست مراتب اعلی شناخت، یعنی مرتبه قلب و روح و بالاتر را طی نماید. زیرا این مراتب در ورای مرتبه عقلی قرار دارند در حالی که علم حصولی تا عالی‌ترین مرتبه یعنی شناخت قلب و روح را طی می‌کند. پس علم حصولی از پایین‌ترین مرتبه شناخت تا مرتبه عقل کلی در انسان حادث می‌شود و پس از آن توسط علم حضوری درک می‌گردد.

در ارتباط عملکرد سه قوه شناخت باید به این



نکته نیز اشاره کنیم که عقل حجت باطنی و در رأس هستی ادراک انسان قرار گرفته و بر همه‌ی ادراکات احاطه و اشرف دارد. این احاطه موجب می‌شود که همه آنها با یکدیگر متحد و هماهنگ شوند و به ابعاد مختلف علوم راه‌یابند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۴: ۳۵). طبیعی است که بهره‌گیری از هر کدام

از عقول با جایگاه هستی‌شناسانه و محوریت قرار دادن آن، شناخت متفاوت و خلقی متفاوت را رقم خواهد زد. با توجه به این نکته توصیف هر کدام از عقول را بر پایه جایگاه هستی‌شناسانه می‌توان مطابق جدول (۲) نوع و نحوه اندیشیدن آنها در علوم مختلف را مورد بررسی قرار داد.

جدول (۳): اقسام عقول بر پایه مراتب شناخت و تعاریف آن

حوزه علم	نحوه و مرتبه اندیشیدن	تعریف	اقسام عقل	
علم حضوری	اندیشه‌ای که از عقل جزئی حاصل می‌شود تذکر است و بالاترین مرتبه عقلی است.	عقلی است که صرفاً به امور اخروی توجه دارد (عقل الهی)	کلی	عقل معادی
			تحقیقی	
حضوری - حصولی	اندیشه‌ای که از عقل تحقیقی حاصل می‌شود تفقه است	عقلی است که حاصل آموختن و شنیدن عقلی و قلبی است	معادی	عقل اکتسابی
			مسموع	
حضوری - حصولی	اندیشه‌ای که از عقل تحقیقی حاصل می‌شود تعقل است	عقلی است که حاصل آموختن و شنیدن است	کلی	عقل معاش
	اندیشه‌ای که از عقل مسموع حاصل می‌شود تدبر است		حسی	
علم حصولی	اندیشه‌ای که از عقل جزئی حاصل می‌شود تفکر است و پایین‌ترین مرتبه اندیشه است.	عقلی است که صرفاً برای بهره‌مندی از متاع دنیا به کار می‌رود (عقل محض انسانی).	کلی	عقل معاش
			حسی	

بدین ترتیب می‌توان کلیه معارف را بر اساس نسبتی که با علم حصولی و حضوری دارند دسته‌بندی نمائیم و یا به عبارت دیگر آنها را بر پایه علم حصولی یا عینی، علم حضوری یا باطنی و علم حصولی - حضوری یا عینی - باطنی به سه حوزه نسبتاً قابل تفکیک مجزا نمائیم (رئیس سمیعی، ۱۳۸۳: ۹۴) البته این انفکاک به واسطه

تفاوت‌های متنوع علوم کمی سخت است به خصوص علوم حصولی - حضوری به واسطه شدت حصولی به حضوری و یا بالعکس ممکن است الگوهای دیگری نیز تعریف گردد. در جدول (۳) ویژگی‌های علمی هر حوزه، اصالت ابزار شناخت و جایگاه هستی‌شناسانه آن معرفی می‌گردد.

جدول (۴): حوزه‌بندی علوم بر پایه انواع معرفت

حوزه علوم	تعریف	حدود در مراتب شناخت‌شناسی	اصالت ابزار شناخت	ویژگی شناخت	حوزه دانشی	جایگاه هستی‌شناسانه
حصولی	ماهیت علم به آنها از طریق علم به ماهیت خارجی و عینی حاصل می‌شود.	مرتبه عقل طبیعی - حسی	حسی	0	علوم طبیعی و فیزیکی	جهان‌بینی علمی



حوزه علوم	تعریف	حدود در مراتب شناخت‌شناسی	اصالت ابزار شناخت	ویژگی شناخت	حوزه دانشی	جایگاه هستی‌شناسانه
جزئی - حصولی - حضور	این علوم دارای منشأ ذاتی انسان یعنی حضور من به صورت خلاقیت نفس باطنی و ذهنی و از طرف دیگر به دلیل عوامل جمعی زیست اجتماعی عینی و خارجی هستند.	مرتبه عقل اکتسابی - مسموع	عقلی	o/s	روانش‌شناسی - جامعه‌شناسی	جهانبینی فلسفی
		مرتبه عقل اکتسابی - معادی	عقلی - قلبی	o/s	فلسفه	
حضور - حصولی	علم حضوری یعنی علم نفس به ذاتش که از قوام دو خلاقیت تبلور می‌یابد. یکی خلاقیت نفس انسانی که در صورت و نظاهر عینی و خارجی حاصل می‌شود و دومی معرفت مخلوق به خالق که تا حدودی خارج از استدلالات فلسفی است.	مرتبه عقل معادی - تحقیقی	قلبی - عقلی	s/o	حکمت	جهان‌بینی فلسفی - توحیدی
حضور - حصولی	مرتبه عقل معادی - کلی	قلب	S	عرفان	جهان‌بینی توحیدی - عرفانی	

O عینیت‌گرا - S ذهنیت‌گرا

### شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی مکاتب معماری معاصر از دیدگاه اسلامی

امکان شناخت در حوزه معماری در دو مقوله اتفاق می‌افتد. اول شناختی که از دل هستی‌شناسی و دوم شناختی که از دل معرفت‌شناسی ایجاد می‌شود. اما همانگونه که مطرح شد هستی‌شناسی منوط به معرفت‌شناسی است. اگر تعاریف مبتنی بر یکی از ابزارهای شناخت یعنی حواس یا عقل یا قلب استوار گردند. تعاریف مختلفی از معماری و در نهایت جهان‌بینی‌های متفاوتی از آن ارائه خواهد شد. این در حالی است که در تفکر صدرایی هر سه ابزار شناخت در نظر گرفته می‌شود. همچنین معماری به طور کلی

از آن دسته علوم بشری است که با هر سه حوزه علوم (حضور، حصولی و حضوری-حصولی) ارتباط دارد و جامعیت تعریف معماری می‌بایست هر سه حوزه علوم معرفتی را دربرگیرد.

امروزه تعاریف مختلف معماری بر پایه انواع مراتب شناخت و انحصار بر یکی از علوم معرفتی حاصل شده که هر کدام مکمل یکدیگر هستند و برای تعریف جامع و مانع از معماری نمی‌توان تن‌ها به یک از آنها اکتفا نمود. از طرفی در دوره معاصر سه جریان کلی یا سه نظام فکری در معماری با توجه به سه ابزار شناخت و انحصار بر یک یا چند از علوم معرفتی مورد توجه است که می‌توان آنها را بر پایه



جایگاه هستی‌شناسانه (جهان‌بینی) تقسیم‌بندی نمود.

جهان‌بینی نوع برداشت و طرز تفکر و زیرساز و تکیه‌گاه فکری یک مکتب درباره جهان هستی به شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۹۰: ۷) جهان‌بینی به دو بخش کلی تقسیم می‌گردد: جهان‌بینی الهی و جهان‌بینی مادی (قرائتی بی تا: ۱۳) شایان توجه است که دایره کاربرد «جهان‌بینی» وسیع‌تر از عقاید دینی است (مصباح، ۱۳۹۲: ۱۳) و سه پهنه معرفتی بشر را تشکیل می‌دهد (ذوالفقارزاده،

۱۳۸۴: ۱۰۳). جهان‌بینی یا جهان‌شناسی به‌طورکلی از سه منبع ممکن است الهام می‌شود: علم، فلسفه و دین پس جهان‌بینی سه گونه علمی، فلسفی، دینی هستند (مطهری، ۱۳۹۰: ۹). در جدول (۴) مکاتب گوناگون برپایه نظام‌های فکری در معماری با توجه به سه ابزار شناخت و سه حوزه علوم معرفتی ذیل دو دسته از جهان‌بینی الهی و مادی و سه پهنه معرفتی علم، فلسفه و دین ارائه گردیده است.

جدول (۵): نظام‌های فکری جریان‌های معاصر اسلامی از دیدگاه شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی

جهان‌بینی	نظام‌های فکری		ابزار و شیوه شناخت	اصالت ابزار شناخت	حدود در مراتب شناخت	حوزه علوم	علوم مرتبط به معماری	جایگاه هستی‌شناسانه		
	واقعی‌گرایی الهی	اصولی								
الهی	واقعی‌گرایی الهی	اصولی	حس + عقل + قلب مبتنی بر داوری وحی و کلام معصوم	وحی	عقل معادی	حضور	توجه به معارف فقهی، اصول اخلاقی و اعتقادی الهی و وحی	جهان‌بینی توحیدی		
	واقعی‌گرایی حکیمانه	حکیمانه							حس + عقل + قلب عقل تحقیقی	از حضور تاحصولی
	واقعی‌گرایی قلبی	عرفانی							قلب و عقل شهودی	حضور - حصولی
انسانی	وجودگرایی	وجودنگری	وابسته به ذات انسانیت، هستی	عقل و قلب (انسانی و الهی)	عقل اکتسابی - معادی	حصولی - حضور	توجه به حوزه‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ‌شناسی، رفتارشناسی، فرهنگ‌شناسی، علوم برنامه‌ریزی و مدیریت و...	جهان‌بینی فلسفی		
	نسبی‌گرایی	جمع‌گرایی							عقل مسموع - اکتسابی	عقل اکتسابی - معادی
	فردگرایی	فردگرایی							عقل	عقل اکتسابی - معادی
مادی	واقعی‌گرایی حصری	واقعی‌گرایی	تحلیل معقولات فطری و تجربیات حواس پنجگانه و تجربیات	حسی - عقلی	عقل معاش	حصولی	توجه به علوم سازهای، علوم زیستی، دانش اقلیمی، توسعه پایدار، اکولوژیک، تکنولوژی و.....	جهان‌بینی علمی		
	حس‌گرایی	حس‌گرایی							حس	عقل طبیعی - حسی
	شک‌گرایی	شک‌گرایی							فاقد اصالت	پوچ

بررسی و تحلیل شیوه‌های نگرش و تعاریف موجود معماری اسلامی از دیدگاه شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی با توجه به مطالعات صورت پذیرفته در بدنه تحقیق می‌توان تمامی شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی در جدول (۲) را برپایه نظام‌های فکری (مشربه‌های فلسفی) دوره معاصر و ارتباط آن با شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی منطبق با تحلیل‌های جداول (۴) و (۵) در قالب

جدول ذیل (۶) تنظیم نمود. همچنین می‌توان به منظورشناسایی، سطح‌بندی و پهنه‌بندی و اهمیت نظام‌ها و الگوهای فکری معاصر نموداری همانند نمودار شماره (۲) طراحی نمود که در دوراستای طولی (شناخت کلی - هستی‌شناسانه) شامل سه پهنه مبنایی جهان‌بینی دینی، فلسفی و علمی و ۵ مرتبه هستی‌شناسانه عقول و راستای عرضی (شناخت جزئی - شناخت‌شناسانه) شامل ۳ علوم معرفتی، کلیه شیوه‌ها را طبقه‌بندی نماید.

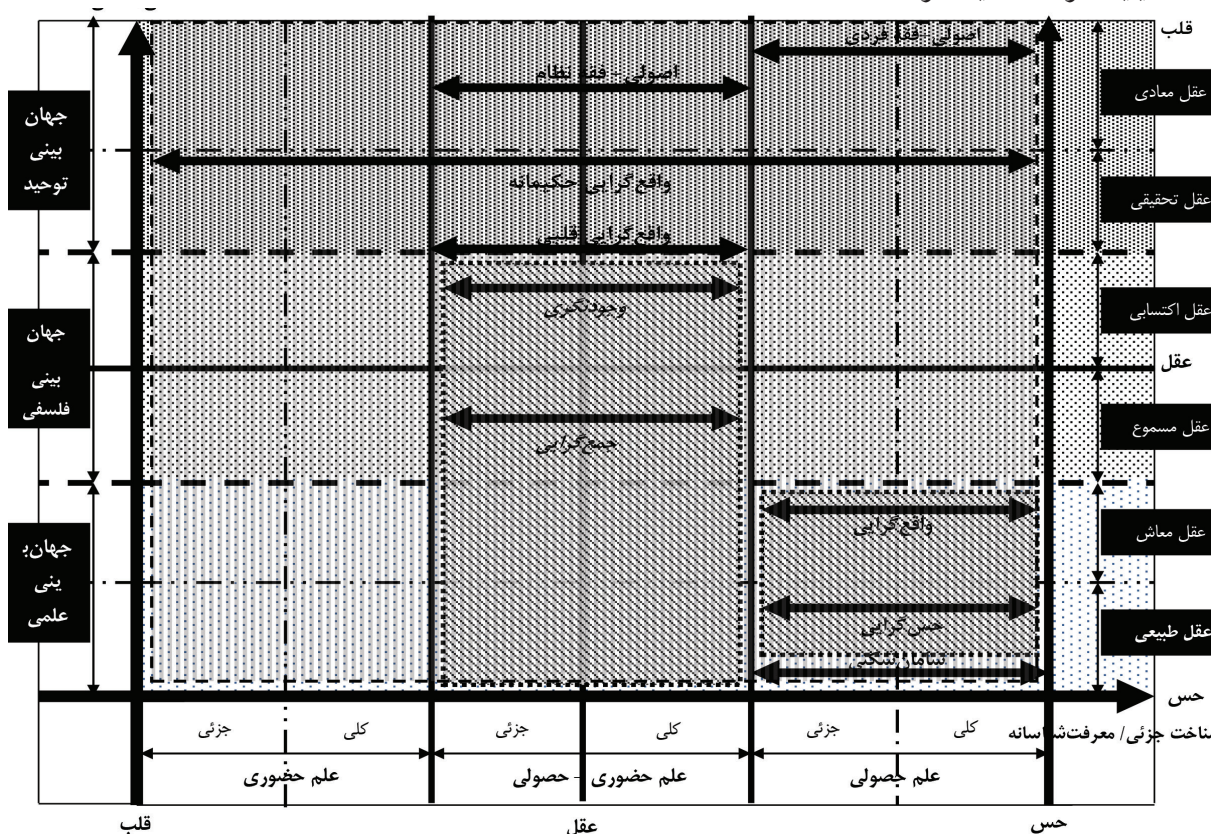
جدول (۶): بررسی شیوه‌های نگرش معماری اسلامی بر پایه شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی نظام‌های فکری از دیدگاه اسلامی

جایگاه هستی‌شناسانه	حوزه معرفتی علوم	حدود در مراتب شناخت	تجربه شناختی	فرآیند شناختی	ابزار و شیوه شناخت	پهنه‌پردازی	تعاریف و ویژگی‌ها	شیوه‌های نگرش		
								واقع‌گرایی (محض الهی)	اصولی	
جهان‌بینی توحیدی	حضوری	عقل معادی	تجربه متعالی	در طول ۵۰S	قلب مبتنی بر داوری وحی و کلام	هشام مرتضی، سلیم بسیم حکیم، سپاهیک عمر، قربانی	توجه صرف به منابع روایی و استخراج دستورالعمل‌ها از آیات و روایات	فقه فردی	واقع‌گرایی (محض الهی)	
	حضوری-حصولی				عقل + قلب مبتنی بر داوری وحی و کلام	اراکی	اسنباط حکم شرعی از منابع اصلی شریعت (کتاب مقدس + کلام معصوم)	فقه نظام		
	ازحضوری تا - حصولی	عقل تحقیقی			حس + عقل + قلب مبتنی بر داوری وحی و کلام	ندیمی، حجت، نقی‌زاده، نقره‌کار	ارتباط سیستمی همه الهی انسان، وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی بیان و نمادگرایی کامل، سادگی در عین پیچیدگی، به کارگیری به جا نظم و بی نظمی و هندسه	نظری - فلسفی	حکیمانه	واقع‌گرایی حکیمانه
جهان‌بینی فلسفی	حصولی - حضوری	عقل تحقیقی - اکتسابی	تجربه آزادانه الهی، فطری و انسانی و بیرونی	O مرتبط با S	قلب و عقل شهودی	نصر و اردلان	باطن‌گرایی، رمزپردازی، تصوف و فتوت	معناگرا	عرفانی قلبی	واقع‌گرایی قلبی
					عقل اکتسابی	عقل اکتسابی - معادی	عقل اکتسابی	عقل اکتسابی	توجه به رابطه انسان با هستی و دین خداوند و معنویت، نوگرایی فکری در بهره‌مندی از تجربیات تاریخی	سنت‌گرایی معنوی همراه با ذات‌گرایی و سنت‌گرایی تاریخی
جهان‌بینی فلسفی	حصولی - حضوری	عقل اکتسابی - معادی	تجربه آزادانه الهی، فطری و انسانی و بیرونی	O مرتبط با S	وابسته به ذات، انسانیت، هستی و طبیعت	کوماراسوامی، شوان، اتین هاوزن، گربا، کریشلو،	توجه به رابطه انسان با هستی و ذات طبیعت، تجدیدکالبدی توجه به ذات طبیعت، زمین و بازگشت به تاریخ، توجه به شناسنامه ذهنی فرد در جامعه	سنت‌گرایی معنوی همراه با ذات‌گرایی و سنت‌گرایی تاریخی	وجودنگری	وجودگرایی



جایگاه هستی‌شناسانه	حوزه معرفتی علوم	حدود در مراتب شناخت	بهره‌فشان	فراپند شناخت	ابزار و شیوه شناخت	فکر پدیدار	تعاریف و ویژگی‌ها	شیوه‌های نگرش	نظام‌های فکری	
		عقل اکتسابی - مسموع	تجربه فردی	از Ose	وابسته به دوره تاریخی، طبقات اجتماعی و شرایط نژادی	جرح میشل	همانگی با طبیعت، تاریخ و جامعه، کثرت‌گرایی، مردم‌گرایی، نمادگرایی تاریخی و فرهنگی، به کارگیری تزئین، پیچیدگی، نظم، نظام شبه دینی یا بدون دین	فرهنگ‌گرا	نسبی‌گرایی	
						معماریان		جامعه‌گرا		
						سوازه، کرسول، گرابر، هولاد، بلوم و پلر		تاریخ‌گرا		
	عقل معاش	تجربه بیرونی و مادی	از Sbe	تحلیل معقولات فطری و تجربیات حواس پنجگانه و تجربیات	کلاوس هر دوگ	وحدت‌گرایی، جهان اسلام، اهمیت کارکرد و سازه، نفی نمادگرایی، سادگی و یکپارچگی نظم، الگوهای فرمی و تزئینی، روابط فضایی	فضاگرا	واقع‌گرایی		
					هیلن براند، پوپ، گراب، هرتسفلد		فرم‌گرا			
					پیرنیا، توسلی		ساختارگرا			
جهان‌بینی علمی	عقل طبیعی - حسی	اعتبار ندارد	ندارد	عدم وجود ابزارها و شیوه‌های قابل اعتماد	معماران فرم‌گرا	اعتقادی به معماری اسلامی ندارند.	کثرت‌گرایی، چندمعنایی، ابهام، تناقض و تضاد، نفی تزئین، بی‌نظمی	منکران	شک‌گرایی	شکاکان
	عقل حسی	پوچ								

O عینیت‌گرا - S ذهنیت‌گرا



نمودار ۲: شناسایی، سطح‌بندی و پهنه‌بندی شیوه‌های مختلف نگرش به معماری اسلامی

براساس این دسته‌بندی و طبقه‌بندی نظام‌های فکری که در سطح جهان‌بینی الهی قرار می‌گیرند به واسطه قرارگیری در مراتب عقلی بالاتر ظرفیت دستیابی به وسعت نظر و شمولیت بیش‌تری نسبت به مکاتب انسان‌مدار برخوردار هستند در این بین نظام فکری حکیمانه به واسطه توجه به سه ابزار شناخت در مراتب عرضی نیز پهنه بیش‌تری از علوم را در بر می‌گیرند و می‌تواند تعریف جامع‌تری از معماری را ارائه نماید. در این سطح‌بندی به ترتیب نظام‌های فکری معناگرا، وجودنگری و نسبی‌گرایی و واقع‌گرایی در مرتبه‌های دیگر قرار می‌گیرند. به وسیله این روش می‌توان تمام شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی موجود در عصر معاصر را مورد بررسی و تحلیل قرارداد. الگوهای فکری که از جامعیت بیش‌تری برخوردار هستند تعریف جامع‌تر و مانع‌تری نسبت به معماری ارائه می‌دهند. و آن‌هایی که مراتب بالاتری دارند به سطوح بالاتری از تعاریف معماری دست پیدا می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

برای دست‌یابی به شناخت معماری اسلامی باید به تعریف مفهومی و جامع از معماری رسید که بتواند زمینه بررسی و تحلیل پیرامون تعاریف و مفاهیم دیگر الگوهای فکری را گسترش دهد. ارائه تعریف و مفهوم جامع و مانع از معماری اسلامی منوط به دستیابی به هستی‌شناسی معماری است که در ابتدای امر می‌بایست از طریق معرفت‌شناسی مورد تحلیل قرارگیرد. زیرا برپایه اندیشه اسلامی در اینجا حکمت متعالیه صدرانی شناخت در صورتی کامل خواهد بود که از دو بعد هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه به صورت توأمان به آن مسئله پرداخته شود. با توجه به دستاوردهای تحقیق که در جدول (۶) و نمودار (۲) به آن پرداخته شده است می‌توان اثبات فرضیه تحقیق در پاسخ به سوالات تحقیق را مفید دانست. زیرا غالب تعاریف معماری اسلامی در عصر حاضر در یک نظام فکری حصری و محدود پدید آمده‌اند. به واسطه جزءنگری از جامعیت لازم برخوردار نیستند.

برای مثال از میان نظریه‌پردازان، نظریه‌پردازی چون سنت‌گرایان از نگاه جامع‌تری به مفهوم معماری نگریسته‌اند به گونه‌ای که نگاه آنها تا آخرین سطح جهان‌بینی فلسفی امتداد یافته است اما به علت داشتن پهنای شناختی کم‌تر ضمن نداشتن جامعیت نسبت به نگاه‌های کامل‌تر و جامع الهی از پهنه‌بندی کم‌تری نیز برخوردار است. همچنین نظریه‌پردازان معتقد به اصول فقه فردی با آنکه در بالاترین سطح از پهنه‌بندی قرار می‌گیرند اما به علت جزءنگری آن جامعیت لازم را ندارند.

دستاوردهای تحقیق به خصوص دسته‌بندی نتایج در نمودار سطح‌بندی و پهنه‌بندی به ما نشان می‌دهد سلسله مراتبی هستی‌شناسانه و پهنه‌ای معرفت‌شناسانه در ظهور معماری به عنوان نمایش قانونمندی مصنوع و حضور آن در عرصه طبیعی وجود دارد که از جهان‌بینی علمی شروع می‌شود و تا جهان‌بینی توحیدی ادامه پیدا می‌کند هر یک از این سلسله مراتب سه‌گانه در هویت بخشی، پویایی و شکل‌گیری اثر معماری لازم است، از آن‌جا که علوم معماری، علوم بین‌رشته‌ای است همه علوم معرفتی را شامل می‌گردد. براساس این تحقیق در هر دوره از این نظام سلسله مراتبی می‌توانیم نوعی از معماری اسلامی را تعریف و شکل دهیم که در نمودار (۳) به آن پرداخته شده است. طبیعی است به میزان آن‌که مفاهیم و تعاریف در مواجهه با سطح و پهنای هستی‌شناسانه و معرفتی از شدت و قوت کم‌تر و یا بیش‌تری برخوردار می‌شوند تعریف جامع‌تر و جهان‌شمول‌تر از معماری را شاهد خواهیم بود. بنابراین هدف والای معماری بر مبنای اندیشه اسلامی شکل‌گیری معماری مقدس بر پایه تمامی دانش‌ها، بینش‌ها و حکمت‌های بشری و الهی است و مادامی که نتوانیم به این سطح از جامعیت در نظام‌های فکری دست‌یابیم، ارائه معماری با مفاهیم مبنایگرایانه و کاملاً انسانی متناسب با ابعاد وجودی انسان غیر ممکن خواهد بود. بنابراین برای تعریف معماری اسلامی از نگاه بیرونی (هستی‌شناسی) باید از آن فاصله گرفت و کلیت آن را در ارتباط با دیگر اشیاء در نظر



دانست. بنابراین به طور خلاصه می‌توان تعریف معماری را در چارچوب ارائه شده اینگونه مطرح نمود که: معماری اثری منبعث از جهان بینی دینی، فلسفی و علمی است و بر پایه حس، عقل و قلب شکل گرفته و آثار حاصل از آن پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی انسان بوده و کامل‌ترین و اثرگذارترین آثار خواهد بود.

گرفت و آن را تعریف کرد. ولی برای نگاه درونی (شناخت‌شناسی) نیاز به فاصله گرفتن ندارد و باید به آن نزدیک شد و آن را درک کرد. همچنین برای تعریف جامع و مانع از معماری می‌بایست شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی را مبنای تعریف و مفهوم معماری قرارداد. در تعریف معماری اسلامی می‌بایست با یک نگاه مجموع‌نگر همه مراتب و همه پهنه‌ها را دخیل



نمودار ۳. معماری متناظر با هر سطح و پهنه

بنایی که آراسته شده و مرمت شده (دهخدا، ذیل «معمور»).

۴. عمارت / آباد کردن، مأهول و مسکون گردانیدن. (دهخدا، ذیل «عمارت»).

۵. عمران / آبادانی، آباد شدن (دهخدا ذیل «عمران»).

۶. تعمیر / یعنی زندگانی دادن، مرمت بنای شکسته و در اصل به معنی طول عمر دادن است.

(دهخدا، ذیل «تعمیر»).

پی‌نوشت

۱. ر.ک: عبدالحمید نقره‌کار و محمدعلی رنجبر کرمانی (۱۳۹۲) روش پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در پرتو بینش اسلامی، مجموعه مقالات مشترک در حکمت هنر و معماری اسلامی، صص ۱۱-۳۴.
۲. معمور / محلی که آب و سبزه و سکنه بسیار دارد. معمور یعنی آباد کننده و جایی را مسکون نماینده (دهخدا، ذیل «معمّر»).
۳. معمور / یعنی آباد، آبادان و مسکون و دارای جمعیت از مردمان، عمارت شده و تعمیر شده و

سوره	آیات	عربی	ترجمه آیات
توبه ۱	۱۹ تا ۱۷	<p>مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿١٧﴾</p> <p>إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾</p> <p>أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾</p>	<p>۱۷- مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند! آنها اعمالشان نابود (و بی ارزش) شده؛ و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند ماند!</p> <p>۱۸- مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت‌یافتگان باشند.</p> <p>۱۹- آیا سیراب کردن حجاج، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو)، نزد خدا مساوی نیستند! و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی‌کند!</p>
طور ۲	۴	وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ﴿٤﴾	و به آن خانه آباد (انصریان، ۱۳۹۱: ۵۲۳)
هود ۳	۶۱	وَالِیُّ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَعِفُّوهٓ ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ ﴿٦١﴾	<p>و بسوی قوم «ثمود»، برادرشان «صالح» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت! از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگارم (به بندگان خود) نزدیک، و اجابت‌کننده (خواست‌های آنها) است!»</p>
روم ۴	۹	أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضِ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٩﴾	<p>آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی) بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (اما آنها انکار کردند و کفر خود را دیدند)؛ خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آنها به خودشان ستم می‌کردند!</p>

۶. ر. ک: به نقره‌کار ۱۳۸۷ و روان و علی‌تاجر ۱۳۹۷.

منابع

قرآن کریم

اکرمی، غلامرضا (۱۳۸۲) تعریف معماری، گام اول آموزش (چالش‌ها و تناقضات)، هنرهای زیبا (۱۶)، صص ۳۳-۴۸.

امین‌پور، احمد و علیرضا پیروزمند و عباس جهانبخش، (۱۳۹۷) روش‌شناسی نظریه‌پردازی هنر و معماری اسلامی، روش‌شناسی علوم انسانی، (۹۶)، صص ۷۱-۸۹.

ابراهیمی‌دینانی، غلامحسین (۱۳۹۴) از محسوس تا معقول، تهران، موسسه پژوهش حکمت و فلسفه ایران.

ابن سینا، حسین ابن عبدالله (۱۳۲۸) منطق المشرقیین، چاپ افست تهران، بی‌تا.



و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال سوم، شماره ۱ دوم، پاییز و زمستان، صص ۶۶-۴۵.

----- (۱۳۹۳) تحلیلی بر شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی، پژوهش‌های معماری اسلامی، (۳)، صص ۶۶-۴۵.

روان، علی و سعید علی‌تاجر (۱۳۹۷) ترسیم طرح‌واره‌ای جامع‌نگر از فرآیند طراحی معماری با تطبیق روش‌شناسی تأویلی شناخت طراحی، برسازواری کلی معرفتی در نظام حکمت متعالیه، پژوهش‌های معماری اسلامی (۲۱)، صص ۱۵-۳۵.

روزبهی، فضل‌الله (۱۳۹۶) نقش ابزارهای معرفتی (حس، عقل، قلب) در معرفت دینی، فصلنامه علمی اندیشه نوین علمی (۴۹)، صص ۱۳۵-۱۵۶.

رئیس سمیعی، محمد مهدی (۱۳۸۳) نظریه مراتب وجود تأویل آن در معماری، رساله دکتری رشته معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.

سامه، رضا و غلامرضا اکرمی (۱۳۹۳) تبیین مفهوم معماری به مثابه «امر معماری» از ماهیت تا کیفیت، چهارصفه (۱)، صص ۲۹-۳۷.

شقایق، پژمان (۱۳۹۰) درآمدی بر نظریه‌ی آبادی: امنیت و سکونتگاهی انسان در ایران، تهران، پژواک.

صفدریان، غزال (۱۳۹۶) تبیین تأثیرات پارادایم بر تغییرات فرم در معماری معاصر، هویت شهر (۳۱)، صص ۹۵-۱۰۴.

طباطبائی، سید محسن (علامه)، شرح کتاب نه‌ایه الحکمه، شرح و تحقیق حسین حقانی زنجانی، قم، شکوری.

علی‌آبادی، محمد (۱۳۹۱) جایگاه عقل در مفهوم پایداری شهر (نگاهی دیگر به مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی)، دو فصلنامه

انصاریان، حسین (۱۳۹۱) ترجمه قرآن، تهران، پیام عدالت.

ایمانی، نادیه (۱۳۸۴) نقد تلقی مورخان از معماری اسلامی، گلستان هنر (۱)، صص ۷۴-۸۰.

پایگاه اطلاع‌رسانی حدیث شیعه (۱۳۹۹) ذیل واژه عقل: <http://hadith.net>، تاریخ مراجعه: (۱۳۹۹/۰۱/۱۰).

تقوائی، ویدا (۱۳۸۹) از چیستی تا تعریف معماری، هویت شهر (۷)، صص ۷۵-۸۶.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰) تفسیر موضوعی قرآن کریم \* معرفت‌شناسی در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.

----- (۱۳۹۱) انتظار بشر از دین، قم، مرکز نشر اسراء.

----- (۱۳۹۲) دین‌شناسی، قم، مرکز نشر اسراء.

خوانساری، محمد (۱۳۷۶) فرهنگ اصطلاحات منطقی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

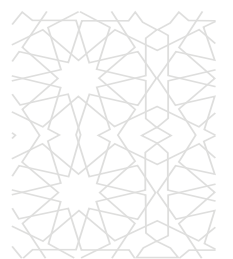
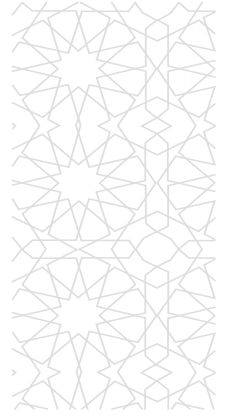
----- (۱۳۷۸) دوره مختصر منطق صوری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

دانشنامه جهان اسلام (۱۳۹۹) ذیل واژه تعریف <https://rch.ac.ir>، تاریخ مراجعه: (۱۳۹۹/۰۱/۱۰).

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۴) لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.

ذوالفقار زاده، حسن (۱۳۸۴) فقه و معماری، شیوه تفقه دینی و دانش معماری، رساله دکتری رشته معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.

----- (۱۳۹۱) زیبایی‌شناسی در جهان-بینی دینی و فلسفی و علمی، پژوهشنامه علم



معماری ایرانی (۱)، صص ۳۷-۲۵.

عمید، حسن (۱۳۹۳) فرهنگ عمید، تهران، فرهنگ اندیشمندان.

فلامکی، محمدمنصور (۱۳۹۰) ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری، تهران، فضا، وابسته به موسسه علمی و فرهنگی فضا.

فولادی، محمد و یوسفی، محمدرضا، جایگاه عقل و مراتب آن در مثنوی معنوی مولوی، پژوهش‌های فلسفی-کلامی (۲۲ و ۲۳)، صص ۸۱-۱۱۱.

قبادیان، وحید (۱۳۹۷) سبک‌شناسی مبانی نظری در معماری معاصر، تهران، علم معمار رویال.

قرائتی، محسن، بی‌تا، توحید، قم، موسسه درراه حق.

کاملنیا، حامد و مهدوی نژاد، محمدجواد (۱۳۹۱) آشنایی با معماری معاصر تهران، علم معمار رویال.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۷) آموزش فلسفه، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.

تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل. ----- (۱۳۹۲) آموزش عقائد،

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰) مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (۲)، جهان‌بینی توحیدی، تهران، صدرا.

----- (۱۳۹۲) مسئله شناخت، تهران، صدرا.

معماریان، غلامحسین (۱۳۹۵) سیری در مبانی نظری معماری، تهران، غلامحسین معماریان.

معین، محمد (۱۳۷۵) فرهنگ فارسی، چ ۹. تهران، امیرکبیر.

مهدوی نژاد، محمدجواد (۱۳۸۳) حکمت معماری اسلامی، جستجو در ژرف‌ساخت‌های معنوی معماری اسلامی ایران، نشریه هنرهای زیبا (۱۹)، صص ۵۷-۶۶.

مهوش، محمد و ارغیانی، مصطفی (۱۳۹۹) معماری اسلامی از منظر علم دینی، اندیشه معماری (۷)، صص ۱-۱۳.

نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۷) درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی با همکاری مهدی حمزه‌نژاد، علی محمد رنجبر کرمانی، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی دفتر معماری و طراحی شهری: شرکت طرح و نشر پیام سیما.

----- (۱۳۸۹) مبانی نظری معماری، تهران، دانشگاه پیام‌نور.

----- (۱۳۹۴) برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری، تهران، کتاب فکر نو.

نقره‌کار، عبدالحمید و علی محمد رنجبرکرمانی (۱۳۹۲) روش پژوهش‌های میان رشته‌ای در پرتو بینش اسلامی، مجموعه مقالات مشترک در حکمت هنر و معماری اسلامی، ج ۲، قزوین، جهاددانشگاهی قزوین.

نقره‌کار، عبدالحمید و مهدی حمزه‌نژاد و علی محمد رنجبرکرمانی (۱۳۹۷) تبیین معماری و شهرسازی مبتنی بر هویت اسلامی-ایرانی، قزوین، جهاددانشگاهی قزوین.